بازخوانى كتاب : «فقه محيط زيست»

سيد على حسينى

فقه البيئة، سيد محمد الشيرازى، بيروت، مؤسسة الوعى الاسلامى، الطبعة الاولى، 1420 ق.

بحران محيط زيست در روزگار ما اقشار مختلفى از دانشمندان جهان را دل نگران كرده است. بسيارى از فرهيختگان معاصر معتقدند كه اگر از شتاب فزاينده روند ويران گرى در طبيعت و محيط زيست جلوگيرى نشود سلامت كره زمين و ادامه حيات بشر و ديگر موجودات زنده در معرض خطر جدى است.

آلوده كردن آب هاى اقيانوس ها، درياها و رودخانه ها، نابود شدن جنگل هاى سرسبز كه در شمار مهم ترين عوامل توليد اكسيژن است، بيابان زايى، آلودگى هوا در بسيارى از شهرهاى بزرگ جهان، آلودگى هاى صوتى، انقراض برخى از نسل هاى پرندگان و حيوانات، پديد آمدن شكاف در لايه اُزن و مسايلى از اين دست اسباب نگرانى گروه هاى مختلف مردم به ويژه فرهيختگان را فراهم آورده است. در نتيجه، آنان آثار ارزشمندى در اين باره پديد آورده اند و براى آگاهى بيشتر مردم از پيامدهاى وخيم و اسفبار اوضاع و احوال زيست محيطى روزگار ما كوشش هاى سودمندى كرده اند.

گروه هايى از دانشوران مسلمان نيز كوشيده اند ديدگاه اسلام را در اين باره بنمايانند و نوشته هاى پراكنده اى در اين زمينه عرضه كرده اند. آنان به درستى بر اين باورند كه بهترين نسخه شفابخش اين درد مزمن و رنج آور جهان معاصر را مى توان از لابه لاى گهر گفته هاى معصومان و آيات قرآن كريم استنباط كرده، فراروى آدميان نهاد.

مؤلف ارجمند كتاب «فقه البيئة»، صفحات زرين كتاب را در 11 عنوان اصلى سامان داده است. اين عناوين عبارت است از:

اسلام و محيط زيست; زيان رسانيدن به ديگران; محيط زيست طبيعى; اقسام آلودگى ها در طبيعت و محيط زيست; اسراف و آلودگى; نابودى كشاورزى و نسل انسان ها; سموم نابود كننده حشرات; لايه اُزن; پسآب هاى صنايع; سهم جنگ ها در آلودگى طبيعت و ويران گرى آن و ارزش صلح و آلودگى معنوى.

اين مقاله در پى آن است كه با گلگشتى در اثر ياد شده چشم اندازى از آن را فراروى خوانندگان نهد و متناسب با حجم و صفحات اين نشريه، فشرده اى از محتواى كتاب را گزارش كند.

مقدمه

مؤلف ارجمند در مقدمه بسيار كوتاه خود به دو نكته اشاره كرده است: يكى آن كه بحث هاى كتاب را به گونه فشرده به نگارش درآورده و ديگر آن كه موضوعات آن را از نگاه علم و دين بررسى كرده است.

در پيشگفتار كتاب، مؤلف ارجمند، واژه «بيئه / محيط زيست» را تعريف كرده است. از نگاه مؤلف، واژه محيط زيست معنايى گسترده دارد[1] و آموزه هاى دينى احكام سازنده اى درباره ابعاد مختلف محيط زيست آدميان به ارمغان آورده كه عمل بدان ها سعادت مادى و معنوى بشر را رقم خواهد زد.

در اين مقدمه، از محيط زيست فرهنگى، محيط زيست طبيعى و محيط زيست معنوى سخن به ميان آمده است. مؤلف درباره «محيط زيست فرهنگى» معتقد است كه آميزه اى از باورها، دانش، قانون، اخلاق، عرف و عادات مردم و مسائلى از اين دست، محيط زيست فرهنگى را شكل مى بخشد كه تأثير فراوانى بر چند و چون تربيت و رشد انسان از آغاز انعقاد نطفه در رحم مادر دارد. محيط زيست طبيعى، موضوعى است كه اين كتاب ـ به جز صفحاتى اندك از آن ـ بدان اختصاص يافته است.

وى، بر اين اعتقاد است كه محيط زيست طبيعى، فرهنگى و معنوى در شكل گيرى جسم و جان آدمى سهمى به سزا دارد و انسان ها هرگز نبايد از تلاش در راه بالندگى و حفظ سلامت آن باز ايستند.[2]

اسلام و محيط زيست

مؤلف ارجمند براى ورود به مباحث دينى محيط زيست در آغاز كلياتى از آموزه هاى اسلام را بيان كرده است.

ايشان در اين باره مى نويسد: احكام اسلامى درباره محيط زيست فراوان است و متنوع، گروهى از اين احكام ـ چه مستحب و چه واجب ـ ايجابى هستند و مسلمانان را به انجام اعمالى درباره طبيعت و محيط زيست فرا خوانده اند.

به عنوان نمونه، آيات قرآن آدميان را به تفكر در طبيعت و محيط زيست فرا مى خواند و تأمل در جلوه هاى طبيعت را براى انسان ها بسيار سودمند و سازنده مى داند.

خداوند مى فرمايد:

(أَفَلَمْ يَنْظُرُوا اِلَى السَّماءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْناها وَ زَيَّناها وَ مالَها مِنْ فُرُوج وَ الاَْرْضَ مَدَدْناها وَ أَلْقَيْنا فيها رَواسِىَ وَ أَنْبَتْنا فيها مِنْ كُلِّ زَوْج بَهيج تَبْصِرَةً وَ ذِكْرى لِكُلِّ عَبْد مُنيب وَ نَزَّلْنا مِنَ السَّماءِ ماءاً مُّبارَكاً فَأَنْبَتْنا بِهِ جَنّات وَ حَبَّ الْحَصيدِ وَ النَّخْلَ باسِقات لَها طَلْعٌ نَضيدٌ رِزْقاً لِلْعِبادِ وَ أَحْيَيْنا بِهِ بَلْدَةً مَيْتاً وَ كَذلِكَ الْخُرُوجُ)[3]

«آيا به آسمانِ فراز سرشان ننگريسته اند كه چگونه آن را بر افراشته ايم و آن را آراسته ايم و هيچ خللى ندارد، و زمين را گسترانده ايم و در آن كوه ها درانداخته ايم و در آن از هرگونه جُفت دل انگيز رويانيديم، ]تا[ براى هر بنده توبه كارى بينش افزا و پندآموز باشد، و از آسمان آبى پربركت فرو فرستاديم و آن گاه بدان بوستان ها و دانه درو كردنى رويانديم و درختان خرماى بلند كه خوشه هاى بر هم چيده دارد تا روزىِ بندگان باشد و با آن ]آب[ سرزمينى مرده را زنده كرديم; رستاخيز هم همين گونه است.»

بدين سان، خدا جلوه هايى از طبيعت را در اين آيات يادآور شده و بنى آدم را به تفكر در آن ها فرا خوانده است.

در آيات ديگرى، آفرينش همه عناصر طبيعت، سنجيده و به اندازه معرفى شده است. خداوند مى فرمايد:

(قَدْ جَعَلَ اللّهُ لِكُلِّ شَىْء قَدْراً)[4]

(وَ خَلَقَ كُلَّ شَىْء فَقَدَّرَهُ تَقْديراً)[5]

آسمان برافراشته، زمين گسترده، كوه هاى بلند قامت، درختان سرسبز و خرم، رودخانه هاى دل انگيز و روان، درياها، اقيانوس ها، دشت ها، دره ها، بيابان ها، انواع جانوران و حشرات و ستارگان كه شتابان در آسمان ناپيدا كرانه در حركتند همه حساب شده، به اندازه، از سر دقّت و حكمت آفريده شده است; از اين رو خدا همواره به آدميان هشدار مى دهد كه اين نظم شگفت انگيز طبيعت را كه حيات آدميان و ديگر موجودات زنده در گرو آن است بزرگ و ارجمند بشمارند و آن را پاس دارند و از هرگونه فساد در كشاورزى و نسل آدميان و اسراف در بهرهورى از طبيعت بپرهيزند كه پيامدهايى بس وخيم و زيانبار دارد.

بدين ترتيب، آدميان مى بايد خود و طبيعت را بشناسند و از سودمندى هاى طبيعت و زيان هاى ويرانگر و جبران ناشدنى تخريب آن آگاه گردند و همواره از آن غفلت نكنند و در حفظ و سلامت آن بكوشند.

احكام سلبى اسلام درباره طبيعت و محيط زيست

الف: فساد در زمين

از ديدگاه مؤلف، اسلام دو حكم سلبى و منفى در اين باره دارد كه بسيار قابل توجه است; اول، نهى از هرگونه ويرانگرى طبيعت و تخريب در آن، كه قرآن از آن با عنوان «فساد فى الارض» ياد مى كند و اين خطرناك ترين و بزرگ ترين عنوانى است كه مجرمان مى توانند بدان متصف گردند.

قرآن مى فرمايد:

(وَ إِذا تَوَلّى سَعى فِى الاَْرْضِ لِيُفْسِدَ فيها وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللّهُ لا يُحِبُّ الْفَسادَ)[6]

«و چون برگردد ]يا رياستى يابد[ كوشش مى كند كه در زمين فساد نمايد و كشت و نسل را نابود كند، و خداوند تباهكارى را دوست ندارد.»

به بنى اسرائيل نيز مى گويد:

(... كُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللّهِ وَ لا تَعْثَوْا فِى الاَْرْضِ مُفْسِدينَ)[7]

«از نعمت هاى الهى استفاده كنيد، اما مباد در زمين ويرانگرى و فساد پديد آوريد.»

قرآن به مردمان هشدار مى دهد كه فريب تبليغات زورمداران قدرت پرست را نخورند; همانان كه در واقع فساد آفرينان اصلى در زمين هستند و براى حفظ قدرت و ثروت خود از هيچ كوششى دريغ نمىورزند و به مصلحان اتهام فساد در زمين مى زنند.

اين كتاب الهى، با تعبيرى لطيف به سخن فرعون اشاره مى كند كه خطاب به مردم آن روزگار گفت:

(اِنّى اَخافُ اَنْ يُبَدِّلَ دينَكُمْ اَوْ اَنْ يُظْهِرَ فِى الاَْرْضِ الْفَسادَ)[8]

«من مى ترسم موسى آيين شما را تغيير دهد يا در اين زمين فساد آفريند.»

بالاخره قرآن، قوم ثمود،[9] منافقان[10] و گروهى ديگر از مردم را به دليل ايجاد فساد در زمين نكوهش كرده است.[11]

مؤلف در اين باره چنين مى نويسد:

«بر پايه اين آيه اگر آدميان به راه فساد و تباهى در زمين گام نهند، خداوند آنان را به حال خود رها مى كند تا پاره اى از نتايج تلخ اعمال خود را بچشند و در نتيجه شايد متنبه شوند و از اعمال زشت خود دست بردارند و به سوى پروردگارشان بازگردند. ظهور فساد در خشكى; اعم از فضا و زمين و در دريا را در جنگ جهانى اول و دوم و نيز در جنگ آمريكا عليه عراق با چشمان خود ديديم. البته بايد توجه داشت كه فساد در زمين در اين آيه شريفه ويژه آب، خاك، هوا و ديگر عناصر طبيعت نيست، بلكه فساد معنوى را كه شامل سركشى، گستاخى، نافرمانى و ستمگرى در برابر پروردگار و كژروى است در بر مى گيرد.»[12]

ب: قاعده لاضرر

از آيات قرآن، سخنان معصومان ـ عليهم السلام ـ و ديدگاه فقيهان به روشنى استفاده مى شود كه ضرر زدن به ديگران جايز نيست. بر طبق گروهى از آيات، شمار زيادى از روايات، سيره عقلا و اجماع فقها هيچ مسلمانى مجاز نيست به ديگران ضرر برساند. آلوده ساختن محيط زيست و نابود كردن طبيعت و منابع طبيعى از روشن ترين نمونه هاى زيان زدنِ به ديگران است كه اسلام با قاطعيت آن را مردود شمرده است.[13]

وجوب حفظ نسل انسان

لزوم حفظ نوع انسانى را بر قاعده لاضرر بايد افزود. از نگاه اسلام، انسان گل سرسبد آفرينش و آفريده اى است كه در خلقت او نهايت دقت به كار رفته است، چنان كه خدا به خود دست مريزاد مى گويد. وجوب حفظ نوع و نسل انسانى از مهم ترين واجبات شرعى و الهى است كه مؤلّف بر آن تأكيد مىورزد.[14]

انواع آلودگى ها

آلودگى هوا، آب، خاك و بسيارى از ضرورى ترين عوامل بقاى حيات موجودات زنده، ارمغان تمدن و صنعت در روزگار ماست; به عبارتى ديگر از دستاوردهاى چگونگى و چند و چون مديريت رهبران بسيارى از كشورهاى جهان است.

مؤلف ارجمند در اين بخش به انواع آلودگى ها اشاره كرده و تأكيد مىورزد كه نبايد آلودگى هاى معنوى را به حساب نياورد يا آن ها را دست كم گرفت; چه اين كه محيط زيست انسان تنها زمانى مى تواند مطلوب و سازنده باشد كه از آلودگى هاى معنوى و مادى، هر دو، پالايش گردد. اما به هر حال در اصطلاح علمى، آلودگى محيط زيست را اين طور تعريف كرده اند:

«دگرگونى در اوصاف و تركيب طبيعى عناصر حياتى و مؤثر بر محيط زيست انسان كه بارزترين مصاديق آن، آب، هوا و خاك است. اين آلودگى زمانى خطرآفرين مى شود كه ماهيت و تركيب اين عناصر را تغيير دهد و از آب، هوا و خاك استفاده ناصحيح شده و آن ها را به افزودنِ عناصرى بيگانه بيالايد ... .»[15]

مؤلف ارجمند، آلودگى به اين معنا را جلوه اى از فساد در زمين مى داند كه دستان بشر آن را پديد آورده و مصداق روشن اين آيه شريفه است:

(ظَهَرَ الْفَسادُ فِى الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِما كَسَبَتْ اَيْدِى النّاسِ)[16]

«دستان بشر فساد را در خشكى و دريا پديدار ساخته است ... .»

خميره زندگى انسان ها در روزگار ما در برخورد با طبيعت شكل گرفته كه بسى ويرانگر و زيان آور بوده است. برخلاف مردمان گذشته كه جدالشان با طبيعت براى زنده ماندن بود، در زمان ما جدال انسان با طبيعت به منظور دستيابى به رفاه بيشتر است; رفاهى پايان ناپذير كه صرفاً با تسخير مواهب طبيعى مى توان به آن دست يافت، مواهب طبيعى نيز پايان پذير و نابود شدنى است. حاصل آن كه اين راه در نهايت به نابودى طبيعت و محيط زيست و انقراض بسيارى از گونه هاى گياهى و حيوانى خواهد انجاميد.

مؤلف محترم در اين باره چنين مى نويسد:

«از هنگامى كه جدال انسان و طبيعت براى زندگى به جدال براى رفاه تبديل شده، مشكلات زيست محيطى يكى پس از ديگرى چهره نموده است. دانشور زيست پژوه، بانو "آشيل كارسون" در كتاب "بهار خاموش" درباره مشكلات زيست محيطى و ساكنان آن نوشته است: "در طول تاريخِ جهان اين نخستين بار است كه انسان از زمانِ انعقاد نطفه و دورانِ جنينى تا واپسين دم زندگى در معرض مواد شيميايى خطرناك قرار دارد".»[17]

آلودگى، بحرانى جهانى

مهم ترين فصل هاى بعدى كتاب به مصاديق آلودگى طبيعت، از قبيل آلودگى هوا، آلودگى آب، آلودگى خاك، آلودگى هاى صوتى و ... اختصاص يافته كه هر موضوع از دو زاويه علم و دين بررسى شده است.

در مقدمه بحث، مؤلف به اين نكته اشاره كرده كه آلودگى در روزگار ما به يك بحران جهانى بزرگ تبديل شده و به منطقه و اقليم خاصى تعلق ندارد. وى نوشته است:

«مسأله آلودگى محيط زيست هر چند در آغاز، بحرانى منطقه اى و مشكل چند كشور به نظر مى رسيد، اما به سرعت گسترش يافت و به صورت مانعى در راه پيشرفت بشر درآمده و به يكى از معضلات و بحران هاى زندگى انسانى مبدل گشته است. بادها و امواج خروشان درياها و اقيانوس ها آلودگى و عوامل آن را به جاى جاى قاره ها برده و در واقع سراسر گيتى را دستخوش آلودگى ساخته اند.»[18]

در اين بخش، مؤلف به برخى از عوامل آلاينده محيط زيست در قرن معاصر اشاره كرده و جنگ عراق عليه كويت و جنگ آمريكا عليه عراق، انفجار در نيروگاه هسته اى «چرنوبيل»[19] و حمله اتمى آمريكا به دو شهر «هيروشيما» و «ناكازاكى» ژاپن را از آن ها دانسته است.

وى پس از تبيين اوضاع آلودگى هاى مختلف و گستره آن ها در جهان، در پى ارائه راه حل هايى براى اين معضل بزرگ برآمده و با توجه به آيات و روايات، چنين مى نويسد:

«حال كه بحران آلودگى، جهانى است، انسان ها در كره زمين بايد دست همكارى به يكديگر بدهند ... اسلام در اين باره موضعى صريح و شفاف دارد. خداوند مى فرمايد: (تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوى وَ لا تَعاوَنُوا عَلَى الاِْثْمِ وَ الْعُدْوانِ).»[20]

حضرت امام صادق ـ عليه السلام ـ مى فرمايد:

«اِنَّ اللّهَ فى عَوْنِ الْعَبْدِ مادامَ الْعَبْدُ فى عَوْنِ أَخيهِ.»[21]

«تا زمانى كه انسان در راه يارى و امدادرسانى به برادرش باشد خداوند او را يارى خواهد كرد.»

برپايه اين حديث يارى رسانى و كمك به ديگران، مخصوص مؤمنان و مسلمانان نيست; زيرا كاربرد واژه «عبد» در سخن امام صادق، همه انسان ها ـ مؤمن و كافر ـ را در بر مى گيرد; از اين رو تعاون و همكارى انسان ها با يكديگر به منظور برطرف كردن مفاسد و خطرهايى كه جوامع انسانى را تهديد مى كند مختصّ گروه خاصى نيست و همه انسان ها، حتى كافران و معاندان با رسول خدا ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ را نيز شامل مى شود.

نمونه اين يارى رسانى و عاطفه انسانى را مى توان در سيره پيشوايان اسلام و معصومان به خوبى مشاهده كرد. پيامبر اكرم ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ مشركان مكه را در جنگ بدر آب داد[22]و پيش از فتح مكه اموالى را به كافران مكه ـ كه با ايشان در حال جنگ بودند ـ بخشيد.[23]

حضرت اميرمؤمنان ـ عليه السلام ـ نيز در حال جنگ آب را بر مردم بصره نبست و سيد شهيدان، حضرت امام حسين ـ عليه السلام ـ حُرّ و سپاهش را كه براى جنگ با ايشان گسيل شده بودند، حتى اسبان و شترانشان را سيراب ساخت،[24] حال آن كه اگر امام ـ عليه السلام ـ اين آب را ذخيره مى كرد خود و خاندانش در روز عاشورا سيراب مى شدند.

در روايتى از پيامبر خدا ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ در اين باره چنين آمده است:

«براى سيراب كردنِ هر انسانِ تشنه پاداشى است.»[25]

به اعتقاد نگارنده، مؤلف ارجمند در اين بخش به يكى از مهم ترين مبانى اسلام درباره محيط زيست اشاره كرده است و آن عبارت است از احترام به كرامت انسانى و جايگاه والاى اين مخلوق شگفت انگيز الهى و لزوم مراعات اصول انسانيت در برخورد با همه انسان ها.

آلودگى هوا

هنگامى كه در يك صبح زود به دور از دود برآمده از ماشين ها و كارخانه ها، نفس عميق كشيده و دم ها و بازدم ها را تكرار مى كنيم احساس شادابى و سبكى به ما دست مى دهد و در مى يابيم كه هواى پاك و لطيف چه اندازه در نشاط و سلامت انسان مؤثر است.

در اهميت و ارزش هواى پاك، همين بس كه حيات آدميان و حيوانات بدان وابسته است و ساز و كارهاى درون بدن انسان با آن تنظيم مى گردد. هر مقدار هوا پاك تر و لطيف تر باشد تندرستى و سلامت جسمى و شادابى و نشاط روحى انسان افزون تر خواهد بود. هواى پاكيزه كسالت، خستگى و افسردگى را مى زدايد و در ژرفاى وجود آدمى تازگى و طراوت مى آفريند.

حضرت امام صادق ـ عليه السلام ـ فرمود:

«اى مفضَّل! ... بايد از اين نسيم كه آن را هوا ناميده اند و سودمندى ها و مصلحت هاى نهفته در آن آگاه باشى و بدانى كه حيات را از بيرون از وجود آدمى، در بدن انسان مى دمد و در روحيه و رفتار او اثر مى گذارد.»[26]

مؤلف در اين بخش ضمن اشاره به اهميت هوا و پاكى آن، انواع آلاينده هاى هوا را توصيف كرده و به چند و چون تأثير آن ها بر آلودگى هوا پرداخته و در پايان راه حل هايى براى پاكيزه ساختن هوا ارائه داده و ديدگاه اسلام را در اين باره به صورت مستند فراروى خوانندگان نهاده است.[27]

ايشان در اين باره چنين مى نويسد:

«در آيات قرآن و سخنان معصومان ـ عليهم السلام ـ اصول، قواعد و كلياتى آمده است كه مسأله آلودگى هوا از مصاديق آن به شمار مى آيد.»

خداوند مى فرمايد: (وَ لا تُفْسِدُوا فِى الاَْرْضِ بَعْدَ اِصْلاحِها)[28]

«در زمين پس از اصلاح آن فساد مكنيد.»

(وَ لا تُلْقُوا بِأَيْدِيْكُمْ اِلَى التَّهْلُكَةِ)[29]

«خود را با دستان خود به هلاكت نيفكنيد.»

(وَ مَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللّهِ مِنْ بَعْدِ ما جائَتْهُ فَاِنَّ اللّهَ شَديدُ الْعِقابِ)[30]

«هر كس نعمت خدا را كه براى او آمده و در اختيار او گذاشته شده ]از روى ناسپاسى [به نقمت مبدل سازد، خدا سخت كيفر كننده است.»

(اَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللّهِ كُفْراً وَ اَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دارَ الْبَوارِ)[31]

«و آيا به كسانى كه شكر نعمت خدا را به كفران تبديل كردند و قوم خود را به سراى هلاكت آوردند، ننگريستى.»

حضرت امام صادق ـ عليه السلام ـ به نقل از پدران خود از پيامبر خدا ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ از مسموم كردن سرزمين (محيط زيست) مشركان نهى فرموده است.[32]

فقهاى اماميه در كتاب هاى فقهى خود از آلوده كردنِ هوا به وسيله دباغى و پس مانده هاى ديگر منابع آلاينده منع كرده اند. اين فتوا جايز نبودن آلوده كردن محيط زيست را تأييد مى كند.[33]

آلودگى آب ها

مؤلف در اين بخش به تفصيل آلودگى آب ها، اقسام مختلف آن، سهم نفت در آلودگى درياها، و ديگر آلاينده هاى آب و راه هاى پيشگيرى و مبارزه با آن ها سخن گفته و به نقش رژيم صهيونيستى اشاره كرده و در پايان با نقل روايات و سخنان معصومان ـ عليهم السلام ـ اين بخش را به فرجام برده است.[34]

در اين بخش، مؤلف ارجمند روايات متعددى را گزارش كرده كه برپايه آن ها نبايد آب ها را آلوده ساخت.

از على ـ عليه السلام ـ روايت شده كه نبايد در آب هاى جارى ادرار كرد; چه آن كه در آن زيست كنندگانى وجود دارند. نيز از آلوده كردن سواحل رودها و چاه ها نهى شده است. برپايه رواياتى بايد ميان چاه هاى آب و چاه هاى توالت فاصله باشد تا آب هاى چاه ها آلوده نگردد و ... .[35]

آلودگى خاك

خاك عنصرى است كه نزد بسيارى از انسان ها بى ارزش جلوه مى كند; چه آن كه بى هيچ زحمت و منتى در اختيار انسان قرار مى گيرد. اما حقيقت چيز ديگرى است.

خاك، عنصرى است ارجمند و گران قيمت و صدافسوس كه در هر سال ميلياردها تن خاك حاصلخيز در جهان به سبب فرسايش از چرخه انتقاع خارج مى گردد.

قرآن كريم با تعبيرهاى مختلف اهميت و ارزش خاك را به انسان مى شناساند و مى كوشد در اين باره تنبه آفريند.

مؤلف در اين بخش[36] كوشيده است با ذكر گروهى از آيات و روايات اهميت خاك را بنماياند و ارزش و سودمندى هاى آن را از نگاه قرآن و روايات تبيين كرده و به مسؤوليت انسان در برابر حفاظت از آن توجه دهد.

حرمت آلوده كردنِ درياها

در اين بخش از كتاب، مؤلف ارجمند نخست به سودمندى هاى عظيم درياها براى آدميان و آبزيان اشاره كرده، آن گاه آلوده كردنِ درياها را از مصاديق «فساد در زمين»; «تبديل نعمت هاى الهى به نقمت» و «كفران نعمت خداوندى» دانسته و آن را در زمره گناهان به شمار آورده و سپس درباره نشت نفت از كشتى هاى نفت كش و تخريب چاه هاى نفت به واسطه جنگ ها و سهم عظيم اين مسأله در آلودگى آب درياها سخن به ميان آورده است.[37]

آلودگى غذا و دارو

بخش هايى از كتاب به آلودگى غذا و داروهاى مورد مصرف مردم جهان اشاره دارد. مؤلف ارجمند به شرح، اين دو نوع آلودگى را تبيين و راه هاى مبارزه با آن را طرح كرده است.[38]

لايه اُزن

مؤلف ارجمند در بخشى از كتاب به پديد آمدن شكاف در لايه ازن، زيان هاى عظيم و غيرقابل جبرانى كه از اين ناحيه بر منافع انسان ها و سلامت آنان و حفاظت از حيات در كره زمين وارد مى شود، پرداخته است.[39]

در لابه لاى مطالب ياد شده بارها مؤلف ارجمند از نظام شگفت انگيز و متقن طبيعت و محيط زيست بشرى سخن به ميان آورده است.

آرى خداوند متعال طبيعت را در بهترين نظام ممكن آفريد و عناصر آن را به گونه اى سامان بخشيد كه نيازهاى گياهان، حيوانات و آدميان را برآورد.

اسلام هماره از عظمت و ارزش اين نظام سخن به ميان آورده و كوشيده است در آدميان تنبه آفريند كه ارزش آن را دريابند، در حفاظت از آن تلاش كنند و در پى تخريب و ويرانگرى آن برنيايند كه گناهى است بزرگ و جرمى سترگ، و به تعبير قرآن «فساد در زمين» است و كسى كه به چنين عملى دست يازد «مفسد فى الارض» بوده و كيفرى دردناك در انتظار اوست.

از اين رو همه آدميان براى نجات كره زمين; اين تنها كره قابل سكنا مى بايد دامن همت به كمر زده و با احترام كامل به نظم شگفت آور و دل انگيز طبيعت در حفظ آن بكوشند و آن را در آستانه منافع زودگذر شخصى و گروهى به قربانگاه نبرند. نيز از هرگونه اسراف و تبذير در آب و خاك و ديگر مواهب طبيعى بپرهيزند و تا مى توانند از پديد آمدن جنگ بهراسند كه به حق خانمان سوز است و ويرانگر.

جنگ ها از سويى نسل بشر را به نابودى مى كشانند و از طرفى طبيعت را آلوده مى سازند.

بدين سان مؤلف ارجمند بخش هاى پايانى كتاب را به نظم طبيعى محيط زيست، اجتناب از اسراف و تبذير و اجتناب از جنگ اختصاص داده و همگان را به صلح و آرامش و همزيستى مسالمت آميز فرا مى خواند.

پى نوشت :

[1]- مؤلف در اين باره مى نويسد: «بدين سان، محيط زيست، مجموعه اى است هماهنگ و دربرگيرنده دانش هاى سياسى، اجتماعى، اقتصادى و ... كه انسان توانسته است به آن ها دست يابد ... . اين مفهوم، به معناى عام آن، محيط زيست ژنتيكى، اجتماعى، فرهنگى، اقتصادى و طبيعى را در بر مى گيرد.»

[2]- مؤلف در اين بخش استفاده هاى مناسبى از آيات و روايات كرده است.

[3]- سوره ق (50) آيه 6 ـ 11.

[4]- سوره طلاق (65) آيه 3: «به راستى كه خدا براى هر چيزى اندازه اى مقرر كرده است.»

[5]- سوره فرقان (25) آيه 2: «و هر چيزى را آفريده و بدان گونه كه درخور آن بوده اندازه گيرى كرده است.»

[6]- سوره بقره (2) آيه 205.

[7]- سوره بقره (2) آيه 60.

[8]- سوره غافر (40) آيه 26.

[9]- (وَ ثَمُودُ الَّذينَ جابُوا الصَّخْرَ بِالْوادِ ... فَاَكْثَرُوا فيهَا الْفَسادَ) سوره فجر (89) آيه 13.

[10]- (وَ اِذا قيلَ لَهُمْ لا تُفْسِدُوا فِى الاَْرْضِ ... قالُوا اِنَّما نَحْنُ مُصْلِحُونَ اَلا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلكِنْ لا يَشْعُرُونَ) سوره بقره (2) آيه 11.

[11]- ر.ك: سوره اعراف (7) آيه 103; سوره نحل (16) آيه 88; سوره روم (30) آيه 41.

[12]- ص 39 كتاب.

[13]- ر.ك: ص 27 ـ 34.

[14]- ص 25 ـ 27.

[15]- ص 42 و 43 كتاب.

[16]- سوره روم (30) آيه 41.

[17]- پانوشت ص 43 كتاب.

[18]- ر.ك: ص 46.

[19]- «چرنوبيل» روستايى است كه در سه كيلومترى «بربات» و در 150 كيلومترى «كى يِفْ» سومين شهر بزرگ روسيه، قرار دارد. در اين روستا چهار نيروگاه هسته اى مشغول به كار بود. در روز 25 آوريل 1986 م به دليل از كار افتادن دستگاه خنك كننده فاجعه آغاز گرديد. هسته هاى درونِ محفظه شكافته شدند; دماى نيروگاه به سرعت افزايش يافت و به پنج هزار فارنهايت رسيد. در اين زمان آب هاى باقى مانده در دستگاه و لوله ها به بخار تبديل شد و كنش متقابل بخار و توده هاى گرافيت كه لوله هاى فشار بالا را در ميان گرفته بود گازهايى انفجارزا به وجود آورد كه در نتيجه گرافيت هاى موجود شعلهور شد و مركز فعاليت هاى نيروگاه را منفجر كرد. با شكافته شدنِ هسته و گرم شدنِ اورانيوم، گاز، دود و ذرات انتشار يافته فضاى منطقه را پوشاند و مساحت غبار اتمى متصاعد شده بيش از صد مايل طول و سى مايل عرض داشت. ص 45 و 46.

[20]- سوره مائده (5) آيه 2. «در نيكوكارى و پرهيزگارى با يكديگر همكارى كنيد و در گناه و تعدى دستيار هم نشويد.»

[21]- مستدرك الوسايل، ج 13، ص 429، حديث 14526; اصول كافى، ج 2، ص 3.

[22]- ر.ك: «وَ لاَِوَّلِ مَرَّة فى تاريخ العالم» و «اسلوب حكومة الرسول و الامام على ـ عليه السلام ـ » و «لِماذا تَأَخَّرَ المسلمون». به قلم مؤلف.

[23]- همان.

[24]- تاريخ طبرى، ج 6، ص 336.

[25]- بحارالانوار، ج 74، ص 370; جامع الاخبار، ص 39.

[26]- «وَ حَسْبُكَ بِهذا النَّسيمِ الْمُسَمّى هَواءً وَ ما فيهِ مِنَ الْمَصالِحِ فَاِنَّهُ حَياةُ هذِهِ الاَْبْدانِ ... .» بحارالانوار، ج 3، ص 219.

[27]- ر.ك: ص 63.

[28]- سوره اعراف (7) آيه 56.

[29]- سوره بقره (2) آيه 195. به اعتقاد نگارنده مؤلف ارجمند از دو آيه ياد شده استفاده بسيار جالب، مناسب و به هنگامى كرده است; زيرا بشر با آلوده ساختن هوا با دست خود گور خود را مى كند، زمين و طبيعت زيبا و دل انگيز آن را به فساد و تباهى مى كشاند و به پيامدهاى زيست محيطى اعمال جنون آميز خود نمى انديشد.

[30]- سوره بقره (2) آيه 213.

[31]- سوره ابراهيم (14) آيه 38.

[32]- كافى، ج 5، ص 38. «نهى رسول الله ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ اَنْ يُلْقَى السَّمُّ فى بِلادِ الْمُشْرِكينَ.

[33]- ر.ك: موسوعه فقهى مؤلف، كتاب احياء الموات.

[34]- ر.ك: ص 62 ـ 98.

[35]- ر.ك: ص 94 ـ 98 كتاب; فرهنگ جهاد، ويژه نامه آب، شماره 7 و 8.

[36]- از ص 99 ـ 106.

[37]- ر.ك: ص 117 ـ 131.

[38]- ر.ك: ص 152 ـ 168.

[39]- ر.ك: ص 196 ـ 206.